

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

بازتایپ از: لاله هوادار (سازمان انقلابی افغانستان)

۱۳ می ۲۰۱۲

شرایط پیدایش نظام سرمایه داری

ایدئولوگ های بورژوازی، تاریخ پیدایش نظام سرمایه داری را قلب کرده و در مقام توجیه توزیع غیر عادلانه ثروت در جوامع مزبور و این که چرا جامعه به فقیر و غنی تقسیم شده است، نظراتی ابراز می دارند که به افسانه بیشتر شبیه است. آنان ادعا می کنند که از زمان های بسیار دور، جهان از افرادی که دارای خصلت های گوناگون بوده اند، تشکیل می شده است: برخی صنعتکار و صاحب عقل معاش، و بقیه سست و تنبل. رفته رفته دسته اول، انواع ثروت را روی هم انباشته، در حالی که دسته دوم، همانی که همیشه بودند، یعنی فقیر و بی چیز، باقی ماندند. توضیح و تشریح منشاء نظام سرمایه داری به این شکل، ارتباطی با واقعیات ندارد.

برای پیدایش نظام سرمایه داری، دو شرط اساسی مورد نیاز است: نخست وجود افرادی که از آزادی شخصی برخوردارند ولی نه وسایل تولید دارند و نه اسباب معاش و بنابراین باید نیروی کار خود را بفروشند، دوم تمرکز وسایل تولید و مقادیر کلان پول در دست برخی از افراد.

این دو شرط در داخل نظام زمینداری، طی روند تشکیل طبقاتی که بین تولید کنندگان جزء کالا در حال تکوین بود، فراهم آمد. استقرار وجه تولید سرمایه داری، با اعمال خشن ترین شیوه های تحمیل و اجبار، که توسط زمینداران، بورژوازی نو خاسته و سازمان های دولتی به عمل می آمد، تسریع گردید.

در روندی که به نام انباشت ابتدائی شناخته می شود، جریان ایجاد شرایط لازم برای پیدایش نظام سرمایه داری مورد بحث است. کارل مارکس می نویسد: "انباشتگی ابتدائی چیزی جزء روند تاریخی جدا شدن تولید کننده از وسایل تولید نیست."

این روند، ماقبل تاریخ نظام سرمایه داری را تشکیل می دهد، بهترین نمونه و بارزترین شکل انباشت ابتدائی سرمایه در انگلستان، که اشراف ملاک به زور زمین های عمومی را از دست دهقانان در آورده و حتی آنان را از خانه هایشان بیرون راندند، شکل گرفت. اشرافیت فیودال، زمین هائی را که دهقانان گرفته بودند به چراگاه های گوسفند تبدیل کرده یا به زارعین اجاره دادند. در آن زمان چون صنعت نساجی در حال رشد بود، پشم تقاضای بسیار زیادی داشت.

بورژوازی نو پا و طالب قدرت، حتی تا حد تصاحب اموال دولتی و غارت اموال کلیسا نیز پیش رفت. تعداد کثیری از مردم که از وسایل معاش محروم شده بودند به صورت دوره گردان خانه به دوش، گدایان و راهزنان در آمدند. مقامات دولتی علیه کسانی که از زمین خود محروم شده و سعی داشتند اموال خود را حفظ نمایند، قوانین ظالمانه ای منتشر ساختند. مثلاً در انگلستان این قوانین به "قوانین خونین" معروف گردید. این مردم بی خانمان و غارت زده، به ضرب شکنجه و شلاق با داغ هائی که با آهن گداخته به آنها می زدند، برای کار به کارگاه هائی تولیدی سرمایه داری رانده می شدند.

با این اخراج اجباری دهقانان از زمین دو نتیجه به دست آمد: نخست، زمین به مالکیت خصوصی گروه نسبتاً معدودی از اشخاص در آمد. دوم، خیل عظیمی از کارگران مزدور برای امور صنعتی تأمین گردید. به این ترتیب، نخستین شرط اساسی برای پیدایش سرمایه داری، یعنی وجود توده ای از مردم بی چیز، برخوردار از آزادی شخصی، ولی محروم از وسایل تولید و اسباب معاش، به وجود آمد. کارل مارکس به روش های اساسی زیر برای انباشته شدن ثروت کلانی که در تشکیل فابریکه های تولیدی بزرگ سرمایه داری مورد نیاز بوده است، اشاره می کند:

- ۱- نظام استعماری - غارت و به بردگی کشیدن خلق های عقب مانده امریکا، آسیا و افریقا،
 - ۲- نظام مالیاتی - ایجاد انحصار ها و روش های دیگر برای تصاحب بخشی از مالیات های تحمیل شده به مردم،
 - ۳- نظام حمایتی - حمایت دولت برای پیشرفت و تکامل صنایع سرمایه داری، و
 - ۴- شیوه های ستمگرانه استثمار،
- به این ترتیب، انباشت ابتدائی، به پیدایش خیل عظیم کارگر که از وسایل تولید محروم بودند، و همچنین انباشته شدن ثروت بیکرانی در دست معدودی از افراد منتج گردید.

ادامه دارد...

بر گرفته از کتاب علم اقتصاد، نوشته ای: پ نیکی تین